

## بیداری اسلامی، اسلام امریکایی و نقش عربستان وهابی در تحولات سوریه و بحرین

سعید قربانی<sup>۱</sup>

چکیده

در طول تاریخ اسلام پیوسته افراد و گروه‌هایی به وجود آمده‌اند که در فهم اسلام، گرایش به خشکی و جمود و تعصب داشته‌اند. اگرچه بر حسب شرایط تاریخی و اجتماعی و فرهنگی نفوذ و قدرت افرادی که چنین تمایلات و خواسته‌هایی داشته‌اند متنوع بوده، اما همیشه حضور داشته‌اند که به رغم تفاوت‌هایی، وجه اشتراک آنها سنخیت روحی و روانی آنان است. آنها همگی به شدت میل به تعصب و خشونت دارند. یکی از جریان‌هایی که در سده‌های گذشته به نام اسلام معرفی شده و در دنیای اسلام ترویج داده شده و برای اشاعه آن در جوامع مسلمانان هزینه‌های هنگفتی صرف گردیده است، همین جریان وهابیت می‌باشد. این فرقه در صدد است که به وسیله خشونت و ترور به اهداف دینی و سیاسی خود دست پیدا کند. وهابیت با اصول و مرامنامه خود در تحولات و حوادث خاورمیانه تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته است و با ترورها و خشونت‌های خود زمینه‌های حضور و فعالیت کشورهای غربی را در منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است. هدف

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد





نگارنده در این مقاله این است که ضمن تجزیه و تحلیل ابعاد دینی - سیاسی وهابیت، نقش فرقه وهابیت در بیداری اسلامی در دو کشور سوریه و بحرین را با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار دهد. اما سؤالی که پژوهش در صدد آن است، این که، ابعاد دینی - سیاسی وهابیت به چه صورتی است و این فرقه در روند تحولات سوریه و بحرین چه تأثیری را در بر داشته است؟

**کلیدواژه‌ها:** وهابیت، جنبش‌های اسلامی معاصر، بیداری اسلامی، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات جهان اسلام، اسلام سیاسی.

### بیان مسئله

در طول تاریخ همواره انسان‌هایی کژاندیش و منحرف بوده‌اند که برای ایصال به اهداف مادی و نفسانی خود همواره اعتقادات و باورهای مردم ساده‌نگر را به بازی گرفته‌اند و گاه با سوءاستفاده از این باورها، لطمه‌های غیر قابل جبرانی را به جوامع بشری و تمدن انسانی وارد کرده‌اند. در جوامع اسلامی نیز این عده با استفاده از زور و گاهی با تزویر، احساسات پاک و بی‌آلایش مسلمانان را به باد سخره گرفته و حتی سخنان بی‌پایه و اساس خود را با عنوان اسلامی به جای اسلام ناب معرفی نموده تا به اهداف پست خود نائل شوند.<sup>۱</sup> یکی از این گروه‌های انحرافی در حال حاضر جریان وهابیت می‌باشد. جریان وهابیت در قرن دوازدهم هجری توسط محمدبن عبدالوهاب ظهور و بروز یافت؛ هر چند که بنیان آن توسط ابن تیمیه در قرن هشتم پایه‌گذاری شده بود. محمدبن عبدالوهاب در ابتدا پس از طرح دیدگاه‌های خود با مخالفت جدی علما و مردم مواجه گشت؛ به طوری که اولین ردیه‌ها بر وی توسط خود اهل تسنن نوشته شد، ولی بعد از اتحاد با محمدبن سعود و تسلط بر عربستان و حجاز، روز به روز گسترش و قدرت یافت تا امروز که از طرق مختلف و با بکارگیری امکانات مادی و معنوی اعم از آموزشی، پژوهشی، فن‌آوری، نفت و... و نیز حمایت استعمار، در حقیقت نقش اهرم مقابله با اسلام ناب محمدی (ص) و انقلاب اسلامی ایران را به عهده دارد.<sup>۲</sup> این گروه به پندار خویش، در صدد احیای سیره سلف صالح یعنی مسلمانان صدر اسلام بودند و مدعی شدند که امت پیامبر (ص) را از انحراف و اشتباه به راه مستقیم برمی‌گردانند، آنان برای تحقق اهداف خود، می‌خواستند همه به سیره سلف صالح بازگردند؛ یعنی مانند آنان بیندیشند

۱. آیت مظفری، «هم‌سویی وهابیت با صهیونیسم در مقابله با انقلاب اسلامی ایران»، مریبان، ۱۳۸۹، ش ۳۷، ص ۴۱.

۲. مطهره حسنی سعدی، «شیوه‌های تبلیغی وهابیت»، پیام، ۱۳۸۹، ش ۱۰۴، ص ۱۲۶.



رشد و گرایش جهانی به اسلام به خصوص مذهب اهل بیت و مطرح شدن شیعه به عنوان مذهبی جامع و کامل که دارای سیستم حکومتی و سیاسی می باشد و توانسته در معادلات سیاسی بین الملل خود را مطرح نماید، موجب شده که وهابیون آن را به عنوان تهدیدی جدی علیه خود تلقی کنند و در این راستا طرح اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی را با هدف تحریک احساسات مردم جهان از یک طرف و اهل سنت و متحد نمودن آنان علیه شیعه را از طرف دیگر مطرح نماید

و عمل کنند و از آنچه در دوره‌های پس از پیامبر و اصحاب بزرگش افزوده شده دوری گزینند.<sup>۱</sup> تنها نتیجه‌ای که از مکتب وهابیت گرفته شده یک چیز بیش نیست و آن ایجاد اختلاف در میان یک میلیارد و اندی مسلمان است و لذا هر کجا که مبلغ وهابی گام می‌نهد، مردم آنجا را به دو دستگی و اختلاف دچار می‌سازند و سرانجام وحدت کلمه را از دست می‌دهند و در مقابل دشمنان اسلام، ضعیف و ناتوان می‌گردند. مثل وضعیتی که در حال حاضر در منطقه خاورمیانه است، به خصوص مناطقی که به صورت پادشاهی اداره می‌شوند.<sup>۲</sup>

با توجه به رویکرد رشد و گسترش فزاینده اسلام‌خواهی در سراسر دنیا و با توجه به بیداری اسلامی منطقه، فرقه ضاله وهابیت این فرصت

طلایی را غنیمت دانسته و عطش جامعه بشری را با تزریق اسلام از نوع امریکایی برطرف کرده و در طی این مسیر، امکانات مادی و معنوی زیادی را به منظور تبلیغ و ترویج این فرقه به خدمت گرفته است.

بیش از پنج سالی است که بیداری اسلامی، منطقه بسیار وسیعی از جهان عرب را در بر گرفته است. از این میان، منطقه خلیج فارس به دلیل ساختار سیاسی متصلب و غیر دموکراتیک و وجود شکاف‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی بستر مناسب و مساعدی برای بیداری اسلامی بوده است؛ اما موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک این منطقه برای جهان غرب و هم‌سویی نظام حاکم در این کشورها با غرب، سبب گردیده غریبان موج بیداری اسلامی را مدیریت کنند و مانع سرایت آن به این منطقه حساس شوند. یکی دیگر از دلایل اهمیت منطقه خلیج فارس قرابت جغرافیایی آن با جمهوری اسلامی ایران است. جهان غرب به دلایل متعدد از دخالت مستقیم برای ممانعت از گسترش موج بیداری اسلامی به منطقه خلیج فارس خودداری کرده است؛ لذا این مأموریت به برخی از بازیگران منطقه محول شده است؛ از جمله عربستان سعودی که تمایلات و توانایی‌های

۱. اکبر اسدعلیزاده، «بررسی تطبیقی ایده‌ها و رفتارهای خوارج و وهابیت»، سراج منیر، ۱۳۹۱، ش ۶، ص ۴۱.  
 ۲. جعفر سبحانی، «وهابیت؛ آهنگ تفرقه و نفاق»، کلام/اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۸.



ویژه‌های دارد.<sup>۱</sup> در پژوهش زیر سعی بر آن شده است که به نقش عربستان سعودی در فرآیند تحولات در بحرین تحت عنوان بیداری اسلامی و تحولات سوریه پرداخته شود.

### از عربستان سلفی تا اسلام امریکایی

ابن تیمیه را پدر و مغز متفکر اسلام سلفی می‌دانند که اولین بار زمینه‌های فکری شکل‌گیری فرقه‌های سلفی را فراهم کرد. ابن تیمیه ابتدا خودش را حنبلی معرفی کرد، ولی پس از مدتی عقاید احمد بن حنبل را هم به استهزا گرفت و خود، مبانی فکری و اعتقادی جدیدی را بر پایه جسمانیت حق تعالی، حرمت توسل به انبیا و اولیاء، حرمت رفتن به زیارت قبور، اصالت نداشتن شفاعت و حرمت بنای قبور و ساختن گنبد و گلدسته برای پیامبران و امامان و... ارایه کرد. در همان آغاز شکل‌گیری این مبانی فکری، علمای اهل سنت قبل از علمای شیعه به پاخواستند و در برابر افکار ضد قرآنی وی قیام کردند و او را چندین بار به محاکمه کشانده، به زندان انداختند. ابن تیمیه پس از دادن تعهد، از زندان آزاد شد و سرانجام در سال ۷۲۸ هجری در زندان قلعه دمشق از دنیا رفت. چهار قرن گذشت تا دوران رو به افول دولت عثمانی فرا رسید. استعمار غرب که از دولت عثمانی ضربه سنگینی خورده بود، کوشید تا با تفرقه‌افکنی در کشورهای اسلامی، توانایی مسلمانان را از بین ببرد. در همین راستا، جاسوس انگلیسی با تلاش ویژه خود توانست محمد بن عبدالوهاب را تحریک و وارد عرصه فرهنگ ضد دین کند و از اینجا بود که اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیز وهابیت بر ضد مسلمانان به خصوص شیعه شروع شد.

محمد بن عبدالوهاب که در قرون اولیه تهاجمات غرب به جهان اسلام می‌زیست، چندان آشنایی با ماهیت و عملکرد نظام استعماری غرب نداشت. از طرفی او در سرزمینی می‌زیست که در آن زمان ارزش‌چندانی برای استعمار غرب نداشت و کمتر بهایی را برایش قائل بودند تا روی آن سرمایه‌گذاری کنند و به همین دلیل در صد بر نیامده بودند تا به گسترش نقشه‌های استعماری خود در آنجا بپردازند. تنها اهمیتی که در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول یافت مسئله عرب‌نشین بودن این منطقه بود که برای تضعیف عثمانی مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود. محمد بن عبدالوهاب برای نشر عقاید و گسترش افکار خود به شهرهای مختلف نجد و حجاز سفر کرد. در اکثر شهرها با

۱. ناصر پورحسین و عبدالمجید سیفی، «عربستان و رویارویی هژمونیک با بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (بررسی موردی: بحرین)»، علوم سیاسی، ۱۳۹۲، ش ۶۲، ص ۱۳۳.

عربستان سعودی یکی از مهمترین دولت‌های منطقه خاورمیانه است که در تمام سیاست‌های استعماری غرب علیه مسلمانان همیشه در کنار دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان قرار داشته و نقش زیادی در فرآیند تحکیم و تداوم حیات سیاسی استعمار در جهان اسلام داشته است

عدم استقبال مردم و علماروبه‌رو شد. تنها منطقه‌ای که وهابیت مورد پذیرش حاکم آنجا قرار گرفت، در عیه بود که از جانب محمد بن سعود مورد حمایت قرار گرفت و بدین گونه اندیشه مذهبی او به خدمت سیاست آل سعود درآمد.<sup>۱</sup> و جاه طلبی و خوی تجاوزگری آل سعود به طور طبیعی شیوخ بیابانگرد و وحشی این قبیله را به سیاست‌های انگلیس در منطقه پیوند زد. سیاستی که در رأس اهداف آن فروپاشی امپراتوری عثمانی، سیطره بر منطقه استراتژیک غرب آسیا و خلیج فارس، ایجاد کمربند امنیتی دور هندوستان و افغانستان و تجزیه کشورهای اسلامی قرار داشت.

از بدو سیطره شیوخ آل سعود بر بخشی از شبه جزیره عرب و رسمی شدن مذهب خشن وهابیت به عنوان دین رسمی آل سعود نتایج دینی و سیاسی مخربی بر جهان اسلام تحمیل شد که تا به امروز تعاریف رسمی غرب از اسلام و سیاست‌های اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در جهان را تغذیه می‌کند. مهمترین آثار سوء خیانت آل سعود به مکتب حیات بخش اسلام را می‌توان در آثار زیر مورد مطالعه قرار داد:

### ۱. ارایه تصویر خشن و بی‌منطق از اسلام

وهابی‌ها سهم بزرگی در خشن و بی‌منطق جلوه دادن اسلام بر جهانیان را داشته‌اند. مطالعه و تحقیق در تاریخ و پیدایش و عملکرد این فرقه ضاله، این ادعا را به روشنی ثابت می‌کند و این امر بر کسی پوشیده نبوده است؛ کشتارها و قتل عام وحشتناک مسلمانان، مانند کشتارهای هولناک در نجد، حجاز، عراق و... آنان با تربیت افراد ناآگاه و جاهل حملات تروریستی و انتحاری را گسترش دادند، به طوری که هیچ جای دنیا از خطر تروریست و حمله انتحاری پرورش یافتگان وهابی در امان نیست. اینان مشکلات بزرگی برای مسلمانان در پیش مردم جهان ایجاد کردند.<sup>۲</sup>

### ۲. مواضع تکفیری علیه مذاهب اسلامی به خصوص مذهب اهل بیت

وهابیت از بدو پیدایش خود چماق تکفیر را علیه تمامی مذاهب اسلامی سنی و شیعه بر فرق پیروان این مذاهب کوبید و آتش فتنه و تفرقه در جهان اسلام را دامن زد. با

۱. مسعودی مرادی، «حاکمیت سعودی وهابیت فرقه‌ای و وهابیت سیاسی»، دانشگاه انقلاب، ۱۳۶۶، ش ۴۹، ص ۳۷.

۲. اکبر اسدعلیزاده، همان، ص ۱۳۰.





عربستان، از زمان آغاز حضور فعال امریکا در حوزه خلیج فارس تا وقوع بیداری اسلامی، نقش‌های مختلفی را برای تثبیت هژمونی امریکا در خلیج فارس ایفا کرده است. با وقوع جنبش بیداری اسلامی ضرورت ایفای این نقش به مراتب بیشتر شده و در این دوره به دلایل متعدد نقش عربستان سعودی بسیار پررنگ‌تر است

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و حاکمیت اسلام ناب محمدی (ص) در ایران بار دیگر دشمنی وهابیت با تشیع و انقلاب و نظام برآمده از آن اوج گرفت و همچنان ادامه دارد. وهابیت و صهیونیسم در دشمنی عمیق با تشیع، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین جریان‌های مترقی و مبارز اهل سنت هم‌سو هستند. آنان به واقع چون لبه‌های قیچی عمل می‌کنند؛ در ظاهر با هم متعارض به نظر می‌رسند اما در عمل، کشورهای سنی‌مذهب خط مقدم مبارزه با استعمار و ارتجاع و صهیونیسم، تشیع، اسلام، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران را هدف گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳. کمک به رشد اسلام‌هراسی در جهان و شیعه‌هراسی در اسلام

رشد و گرایش جهانی به اسلام به خصوص مذهب اهل بیت و مطرح شدن شیعه به عنوان مذهبی جامع و کامل که دارای سیستم حکومتی و سیاسی می‌باشد و توانسته در معادلات سیاسی بین‌الملل خود را مطرح نماید، موجب شده که وهابیون آن را به عنوان تهدیدی جدی علیه خود تلقی و در این راستا طرح اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی را با هدف تحریک احساسات مردم جهان از یک طرف و اهل سنت و متحد نمودن آنان علیه شیعه را از طرف دیگر مطرح نماید. شیخ محمد مغراوی از نویسندگان مشهور وهابی عربستان می‌گوید: باگسترش مذهب تشیع در میان جوان‌های مشرق‌زمین، بیم آن را دارم که این فرهنگ در میان جوان‌های مغرب‌زمین نیز گسترده شود.

### ۴. کمک به تداوم حضور استعمار در میان مسلمانان

عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین دولت‌های منطقه خاورمیانه است که در تمام سیاست‌های استعماری غرب علیه مسلمانان همیشه در کنار دشمنان قسم‌خورده اسلام و مسلمانان قرار داشته و نقش زیادی در فرآیند تحکیم و تداوم حیات سیاسی استعمار در جهان اسلام داشته است.

### ۵. ایجاد تفرقه میان مسلمانان

وهابیت برای رسیدن به اهداف خود از وسیله تفرقه میان تشیع و اهل سنت به خوبی بهره می‌برند و تلاش می‌کنند میان شیعیان و برخی از گروه‌های اهل سنت که در طول

۱. آیت مظفری، همان، ص ۸۵.

سال‌های متمادی زندگی مسالمت‌آمیز با شیعیان داشته‌اند، تفرقه ایجاد کنند و سپس آنها را به گروه خودشان جذب کنند. با وجود اختلاف مذاهب و عقاید میان امت‌های اسلامی در طول تاریخ، مسلمانان با انس و الفت و محبت در کنار یکدیگر زیسته‌اند و مدارس و حوزه‌ها و جنبش‌های آزادی‌طلبانه سیاسی را تأسیس کرده و در مناسبت‌های دینی امت اسلامی در کنار همدیگر بوده‌اند، اما وهابیان امت را به تفرقه انداخته و رگه و ریشه آنان را از هم گسسته‌اند. آنان برخلاف این جریان عمومی مسلمین و طبق میل دشمنان، دست به اقدامات فتنه‌انگیزانه می‌زنند.<sup>۱</sup>

عربستان با تأسیس و حمایت از سازمان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی و حمایت مادی و معنوی از آنها، سیاست آنها را در جهت ترویج وهابیت و دور شدن مسلمانان از یکدیگر تعریف کرده است و برخی از این سازمان‌ها و نهادها را در خدمت اهداف استعماری غرب قرار می‌دهد.

#### ۶. بهره‌برداری از اهرم‌های اقتصادی برای تضعیف جهان اسلام

در عربستان سعودی دلارهای نفتی به صورت فزاینده در جریان است و نیز هر ساله با میزبانی حجاج و بازار فروش کالا درآمد عظیمی را به دست می‌آورد. یکی دیگر از عرصه‌های فعالیت اقتصادی این کشور، عضویت در صندوق‌های پول مثل صندوق اوپک برای توسعه بین‌المللی، صندوق عربی توسعه اقتصادی و اجتماعی و... است.

از طرف دیگر عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین کشور وام‌دهنده جهان بعد از آمریکا و نیز نخستین کشور از این نظر میان کشورهای عضو سازمان اوپک است. حاکمان عربستان با ارایه این کمک‌ها ضمن نمایش قدرت اقتصادی خود، به جذب حکومت‌های کوچک و بعضاً فقیر منطقه می‌پردازند و به جای این که این توانایی را در اختیار جهان اسلام قرار دهد از آن برای تثبیت سیاست‌های استعماری غرب در جهان اسلام و تحکیم پایه‌های رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند و آنها را به جنگ کشورهای انقلابی و اسلامی منطقه می‌فرستد.

#### ۷. مبارزه با ارزش‌های اسلامی و انقلابی

بر هیچ فرد آگاه به مسائل سیاسی پوشیده نیست که عربستان سعودی به عنوان مرکز وهابیت و پرورش‌دهنده تروریست‌هایی همچون القاعده و طالبان این ایام نقش بازدارنده‌ای در مقابل بیداری اسلامی بازی می‌نمایند. حکام ریاض که خود ملعبه

۱. اکبر اسدعلیزاده، همان، ص ۱۲۵.

۲. مطهره حسنی سعدی، همان، ص ۱۲۹.





دست امریکا و مجری سیاست‌های آنان در منطقه خاورمیانه شده‌اند به شدت در مقابل خیزش و انقلاب‌های دول عربی موضع‌گیری نموده‌اند و با اتخاذ سیاست‌های جانبدارانه از حاکمان فاسد عرب آنها را مورد حمایت خود قرار داده‌اند. به موازات این حمایت شاهزاده‌های سعودی از حاکمان فاسد عرب، مفتی‌های درباری آنان بیکار ننشسته‌اند و با صدور فتواهایی ضد اسلامی هر گونه خیزش و انقلابی را حرام اعلام نموده‌اند. این نقش مخرب عربستان سعودی چنان به مذاق رژیم صهیونیستی خوش آمده که در یکی از روزنامه‌های آنها ضمن حمایت از حاکمان سعودی، عربستان را تنها کشوری معرفی نموده که در مقابل بیداری اسلامی جبهه‌ای مخالف اتخاذ نموده است.<sup>۱</sup>

عربستان، از زمان آغاز حضور فعال امریکا در حوزه خلیج فارس تا وقوع بیداری اسلامی، نقش‌های مختلفی را برای تثبیت هژمونی امریکا در خلیج فارس ایفا کرده است. با وقوع جنبش بیداری اسلامی ضرورت ایفای این نقش به مراتب بیشتر شده و در این دوره به دلایل متعدد نقش عربستان سعودی بسیار پررنگ‌تر است. موج بیداری اسلامی به علت مطابقت با هویت مردم جهان عرب از عمق بسیار فراوانی برخوردار است و تقریباً در تمامی کشورهای محافظه‌کار و حامی غرب در منطقه اثرگذار بوده است. موج تغییر که از تونس در شمال آفریقا آغاز شده بود، در مدت کوتاهی تا سواحل خلیج فارس کشیده شد. بیداری اسلامی بعد از سرنگونی بن علی در تونس، موجب سقوط رژیم حسنی مبارک شد. عربستان در این وضعیت، با از میان رفتن رقبای سنتی عرب، مناسب‌ترین گزینه برای غرب در نبرد هژمونیک جدید بود. مواضع عربستان در مواجهه با بیداری اسلامی را می‌توان در جنبه‌های مختلف بررسی کرد. عربستان از یک طرف تلاش کرده نظام‌های محافظه‌کار عرب را از روند تغییرات محافظت کند. مواضع عربستان در این زمینه از مصر تا بحرین را شامل می‌شود. از طرف دیگر، سعودی‌ها در موضعی متعارض در پی تغییر نظام‌های عربی ناهمسو با غرب بوده‌اند. مواضع عربستان در قبال سوریه از این منظر در خور تحلیل است.<sup>۲</sup> با توجه به این رویکرد و جبهه‌گیری است که به نقش عربستان در تحولات بحرین و سوریه پرداخته می‌شود، که از این قرار می‌باشد:

### نقش عربستان در فرآیند تحولات سوریه بعد از بیداری اسلامی

عربستان در سوریه تلاش می‌کند رویکرد تغییر رژیم را پیش ببرد که با توجه به ابعاد و

۱. صالح احمدی، «نقش بازدارنده عربستان سعودی در بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱، رک:

<http://smail141.blogfa.com/post/37>

۲. ناصر پور حسن و عبدالمجید سیفی، همان، ص ۱۴۳.



عربستان از یک طرف تلاش کرده نظام‌های محافظه‌کار عرب را از روند تغییرات محافظت کند. از طرف دیگر، سعودی‌ها در موضعی متعارض در پی تغییر نظام‌های عربی ناهمسو با غرب بوده‌اند

اهمیت منطقه‌ای و راهبردی سوریه و نوع روابط دولت بشار اسد و به خصوص جایگاه آن در محور مقاومت قابل تحلیل است. می‌توان علت موضع تهاجمی عربستان در طرح براندازی سوریه را، شکست در طرح‌های دخالت جویانه ریاض در لبنان دانست و عربستان برای جبران این شکست، در طرح براندازی نظام بشار اسد و حمله به بحرین مشارکت کرده است. پشتیبانی مالی

و اختصاص دلارهای عربستان برای تهیه سلاح و قاچاق اسلحه به داخل سوریه و ارایه راه کارهای عملیاتی به افراد برجسته در میان اعتراض‌کنندگان و مرتبط کردن آنها با رسانه‌های بین‌المللی و ایجاد فشار رسانه‌ای از طریق رسانه‌های تحت مالکیت آن کشور<sup>۱</sup> یکی دیگر از راهکارهایی است که عربستان در قبال سوریه در پیش گرفت. این که با توجه به نفوذ و هابیت به رهبری عربستان سعودی در سال‌های اخیر در سوریه، زمینه بروز اعتراض‌ها از سوی سنی‌های این کشور تا حدودی فراهم شده است که در همین زمینه نقش رسانه‌های مغرض در تحریک این افراد آشکار می‌شود. دشمنان جریان مقاومت هم‌زمان با بیداری اسلامی در منطقه، از این فرصت استفاده کرده و با ایجاد فتنه در سوریه قصد برهم زدن نظام حاکم به ریاست بشار اسد را دارند. بهترین راه برای ایجاد فتنه، فرقه‌گرایی در این کشور است. بیشتر جمعیت کشور سوریه (حدود ۶۵٪) سنی‌مذهب هستند و برخی از آنان از سنی‌های افراطی بوده که عمدتاً از عربستان تغذیه می‌شوند. از آنجایی که هیئت حاکمه در این کشور عمدتاً از علویون هستند و این امر سال‌های متمادی است که برای سنی‌ها ناخوشایند است، از این رو دشمنان از این راه وارد شده و دلیل عمده دوستی سوریه با ایران و حزب‌الله را شیعه بودن آنان وانمود می‌کنند. از جمله کانال‌های ماهواره‌ای وابسته مانند صفا، الوصال، الخلیجیه، اورینت و سایر کانال‌های ماهواره‌ای وابسته به غرب با تحریک احساسات مذهبی سنی‌ها زمینه را برای قیام علیه بشار اسد آماده می‌کنند.<sup>۲</sup> حکومت و هابی عربستان علاوه بر حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریست‌ها طی این مدت برای در هم شکستن سد مقاومت علیه صهیونیسم، تکفیری‌ها را واداشته است تا با بمب‌گذاری، جوی از وحشت و ناآرامی را در سوریه به وجود آورد تا با خوش‌خدمتی به آمریکا، غرب و صهیونیسم و تجارت

۱. کامران کرمی، «بهار عربی و عربستان سعودی؛ آثار و واکنش‌ها»، مطالعات خاورمیانه، ۱۳۹۰، ش ۳، ص ۹۴.  
۲. رضا موسوی‌زاده و رضا رنجبر، «بررسی مقایسه‌ای رفتارهای دوگانه شورای امنیت در قبال تحولات اخیر لیبی و بحرین (۲۰۱۲-۲۰۱۱)»، مطالعات/انقلاب/اسلامی، ۱۳۹۱، ش ۳۱.





مأموریت سلفی‌ها در سوریه منحصر به گرفتن قدرت در سوریه نیست، بلکه در کنار سرنگونی دولت علوی سوریه قطع محور تهران - دمشق - بیروت و همچنین حذف حزب الله به عنوان جنبش شیعی مبارز در دستور کار آنان است؛ هدف‌هایی که بخشی از سیاست‌های استراتژیک عربستان است

اسلحه، زمینه را برای دخالت‌های اسرائیل در منطقه و برافروختن آتش جنگ فراهم کند. دخالت‌های آل سعود در سرنوشت مردم منطقه به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه دخالت‌های فکری، عقیدتی، فرهنگی و طرز رفتار آنها با ملت‌های انقلابی و تمسخر انقلاب‌های حق طلبانه آنها، مزید بر علت شده است. در رابطه با سلفی‌های سوریه باید به این مسئله اشاره شود که آنها پیوندی گسترده و عمیق با اخوان المسلمین سوریه دارند. در این بین از آنجایی که سلفی‌ها نوعی وابستگی به وهابی‌های عربستان دارند، لذا بیشتر حلقه اتصالی بین وهابیون عربستان و سلفی‌های اردن و سوریه وجود دارد. در این میان از

آنجا که اخوان المسلمین سوریه به عنوان ریشه‌دارترین و قدیمی‌ترین جنبش مبارزاتی اسلامی بعد از اخوان المسلمین مصر به شمار می‌روند، لذا سلفی‌ها هم به موازات رشد اخوان المسلمین در سوریه تشکیلات خودشان را سازماندهی کرده‌اند.<sup>۱</sup> مأموریت سلفی‌ها در سوریه منحصر به گرفتن قدرت در سوریه نیست، بلکه در کنار سرنگونی دولت علوی سوریه قطع محور تهران - دمشق - بیروت و همچنین حذف حزب الله به عنوان جنبش شیعی مبارز در دستور کار آنان است؛ هدف‌هایی که بخشی از سیاست‌های استراتژیک عربستان است و ریاض نیز به دنبال آن است.<sup>۲</sup>

عربستان در مواجهه با بحران سوریه چندین بار از شورای امنیت، ناتو و امریکا خواست با حمله نظامی به سوریه شرایط را برای دگرگونی سیاسی این کشور آماده نماید، عربستان هر کجا که بتواند از طریق سرازیر کردن دلارهای نفتی و تحت مدیریت مستقیم و افشاشده امریکا، جریان‌ات را می‌خرد و یا از طریق اقدام دخالت‌گرایانه، امید مردم آن سامان نسبت به آینده خود را کمرنگ می‌کند.<sup>۳</sup> به طور کلی، عربستان در راستای رسیدن به اهداف خود از ساز و کارهای مختلفی

۱. قیس زعفرانی، «سلفی‌ها در حوادث سوریه و انتقام از علوی‌ها»، ۱۳۹۰، رک:

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid>

۲. «نقش گروه‌های تندرو در تحولات سوریه»، ۱۳۹۰، رک:

<http://www.jahannews.com/vdcjmme8vuqeayz.fsfu>.

۳. سعدالله زارعی، «امریکا و آتشکده وهابیون در ریاض»، ۱۳۹۲، رک: [www.farsnews.ir](http://www.farsnews.ir)

استفاده می‌کند که از این قرارند:

۱. حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از مخالفین نظام
۲. تحریک اختلافات قومی و مذهبی در داخل سوریه
۳. به کارگیری ابزارهای نرم‌افزاری و تبلیغاتی و به راه انداختن جنگ روانی
۴. عربستان نقش جدید و فعال خود را در ساقط کردن نظام بشار اسد می‌بیند. عربستان، قطر و ترکیه با حمایت و مسلح‌سازی گروه‌های تروریستی، موجب بسته شدن افق گفت و گو و حل مسالمت‌آمیز بحران و وارد شدن خسارت مادی و تلفات انسانی به ملت سوریه شده‌اند.<sup>۱</sup>

## دلایل اتخاذ رویکرد تهاجمی عربستان در قبال سوریه

از زمان شروع ناآرامی‌ها در سوریه، عربستان سعودی یکی از اصلی‌ترین کشورهای حامی ادامه بحران و کمک به معارضان سوری بوده است. این در حالی است که در انقلاب‌های صورت گرفته در تونس، لیبی و مصر، عربستان در ابتدا با احتیاط بیشتری با این موضوع برخورد کرد اما در رابطه با سوریه از همان ابتدا به موضع‌گیری پرداخت و بعد از آن نیز به کمک‌های مالی و نظامی مخالفان بشار اسد پرداخت؛ دلایل این نوع جهت‌گیری عربستان در قبال سوریه را در موارد زیر می‌توان جست‌وجو کرد:

### ۱. رقابت با ایران و تغییر موازنه در قدرت منطقه‌ای

یکی از اختلافات عربستان با سوریه، ریشه در نزدیکی ایران و سوریه دارد. آنچه از گذشته وجود داشته و امروز عربستان سعودی را در قبال سوریه بیش از پیش حساس کرده است، روابط حسنه و گسترده سوریه با جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. عربستان در سال‌های گذشته در چهارچوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه‌ای به شدت از گسترش نفوذ ایران در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل آن چه هلال شیعی نامیده می‌شود، نگران بود و تلاش کرده است که این نفوذ را مهار کند، که یکی از این کارکردها اتخاذ موضع تهاجمی در برابر سوریه بود.

### ۲. رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان و سوریه

اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان و سوریه ریشه در روابط رقابت‌آمیز بین این دو کشور دارد. سوریه و عربستان طی چند دهه اخیر در بسیاری از مسائل منطقه‌ای

۱. اصغر جعفری ولدانی و سید علی نجات، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۳-۱۳۹۰)»، *مطالعات خاورمیانه*، ۱۳۹۲، ش ۴، ص ۱۶۲.



عربستان در سال‌های گذشته در چهار چوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه‌ای به شدت از گسترش نفوذ ایران در عراق و لبنان و بحرین و تشکیل آن چه هلال شیعی نامیده می‌شود، نگران بود و تلاش کرده است که این نفوذ را مهار کند، که یکی از این کارکردها اتخاذ موضع تهاجمی در برابر سوریه بود

### ۳. اختلافات ایدئولوژیک

یکی از جلوه‌های تقابل عربستان در برابر سوریه به سیاست‌های سوریه در منطقه برمی‌گردد. حکومت عربستان سعودی به طور کلی تلاش کرده است تا از نظر هویتی و ایدئولوژیک نوعی بنیادگرایی سنی را در منطقه گسترش دهد. در واقع گسترش اسلام وهابی و سرکوب شیعیان بحرینی و حمایت از گروه‌های سلفی سوریه از این موضع ناشی می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۴. حمایت سوریه از گروه مقاومت

بحران سوریه فرصت مغتنمی را در اختیار سعودی‌ها قرار داد تا برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در رویکردهای عربی - غربی تلاش کنند و تغییر رژیم را در سوریه به پیش ببرند. از سوی دیگر سوریه همواره و به خصوص با مرگ حافظ اسد و روی کار آمدن بشار اسد مستقلانه‌تر از سیاست‌های غربی عمل نموده و از دید عربستان سیاست‌های رادیکالیستی را به اجرا گذاشته و حمایت‌های آن از مقاومت و حزب‌الله در منطقه، مطلوب عربستان نبوده است و این گامی بود برای اتخاذ سیاست تهاجمی در برابر رژیم سوریه.<sup>۲</sup>

با توجه به اطلاعاتی که در متن ارایه شد و با توجه به اسناد، هدفی که عربستان سعودی در کشور سوریه دنبال می‌کرد شکست رژیم بشار اسد و شکل‌گیری حکومتی بود که تابع غرب و عربستان وهابی باشد تا منطقه برای حکومت پادشاهی سنتی چون عربستان تنگ نگردد و از آن طرف اهداف غرب در خاورمیانه هر چه بهتر تأمین شود.

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. مصطفی محمدی، «تلاش عربستان برای تغییر رژیم سوریه»، پیام/انقلاب، ۱۳۹۲، ش ۷۶، ص ۱۸.

و بین‌المللی در جبهه متضاد یکدیگر بوده‌اند. در طی جنگ سرد، عربستان به یکی از ستون‌های امنیتی خاورمیانه در کنار بلوک غرب به رهبری امریکا تبدیل شده بود. در همین شرایط سوریه منافع خود را دقیقاً در نقطه مقابل یعنی بلوک شرق تعریف کرد و براساس آن کوشید تا روابط مستحکم خود با مسکو و کشورهای سوسیالیستی را بیش از پیش تقویت کند. پس از فروپاشی شوروی هم اختلافات عربستان و سوریه ادامه داشت و این مسئله یکی دیگر از دلایل موضع‌گیری تهاجمی عربستان در قبال سوریه می‌باشد.

## نقش عربستان در قبال جریان بیداری اسلامی بحرین

با تحولاتی که در تونس، مصر، یمن، بحرین، لیبی و سوریه رخ داد، ذهنیتی در منطقه مبنی بر آغاز تغییر و دگرگونی به وجود آمد و با خود موجی را همراه نمود که بسیاری از کشورهای منطقه را در کام خود فرو برد. موج تحولات بهار عربی، عربستان سعودی را در محاصره دگرگونی‌هایی قرار داد که همواره از بروز آنها در اطراف خویش بیمناک بود؛ تأثیراتی که موجب سقوط متحدین، تضعیف جایگاه این کشور و چالش مشروعیت گردید و عربستان را بر آن داشت تا در دو جبهه به دگرگونی بپردازد: نخست در درون عربستان؛ و دوم در خارج و در همسایگی این کشور و به طور مشخص در بحرین و یمن. عربستان در تلاش است تا از بروز تغییرات شدیدتر جلوگیری کند و مانع برهم خوردن توازن منطقه‌ای و ثبات در حوزه‌های پیرامونی و افزایش نفوذ ایران در منطقه شود. اقداماتی که عربستان در پی این رویکردها از خود نشان داد، در قبال بحرین به مداخله نظامی روی آورد و در قبال سوریه موضعی تهاجمی را در پیش گرفت و در قبال ایران، به تبلیغات علیه ایران و راه انداختن سیاست موج ایران‌هراسی پرداخت.<sup>۱</sup> یکی از موضع‌گیری‌های عربستان، در قبال بیداری اسلامی در بحرین بود که تلاشش بر این بود تا حد مقدور جلوی تغییرات شدید در این کشور را بگیرد که در فرآیند بحث به آن پرداخته خواهد شد.

یکی دیگر از کشورهای حوزه خلیج فارس که در جریان بیداری اسلامی درگیر شد و با این درگیری عرصه را برای حکومت آل سعود تنگ‌تر کرد، کشور بحرین می‌باشد. بحرین یکی از کشورهایی است که تحت تأثیر شرایط نامساعد داخلی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین موج بیداری اسلامی - عربی در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه، شاهد خیزش مردمی است.<sup>۲</sup> تحولات بحرین از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ با الهام از خیزش‌های تونس و مصر و با تظاهرات ضد حکومتی در منامه آغاز گردید. مخالفت‌های عظیم ضد حکومتی بیش از همه توسط شیعیان بحرینی که اکثریت عظیم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، در راستای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اساسی، در این کشور برقرار شد، ولی این تظاهرات با سرکوب حکومت آل خلیفه مواجه گردید؛ به طوری که پلیس ضد شورش در بحرین در پاسخ به این اعتراضات دست به

۱. کامران کریمی، همان، ص ۸۰.

۲. شهروز ابراهیمی، محمدرضا صالحی و سید مهدی پارسایی، «بررسی واکنش‌های امریکا و عربستان به خیزش مردمی در بحرین (۲۰۱۲-۲۰۱۱)»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ۱۳۹۱، ش ۱۰، ص ۱۱۱.





سوریه همواره و به خصوص با مرگ حافظ اسد و روی کار آمدن بشار اسد مستقلانه‌تر از سیاست‌های غربی عمل نموده و از دید عربستان سیاست‌های رادیکالیستی را به اجرا گذاشته و حمایت‌های آن از مقاومت و حزب‌الله در منطقه، مطلوب عربستان نبوده است و این گامی بود برای اتخاذ سیاست تهاجمی در برابر رژیم سوریه

اقدامات خشونت‌بار زد.<sup>۱</sup> بحرین یکی از مهمترین مناطقی است که برای عربستان نقش حیاتی دارد و وهابیت عربستان در تحولات آن دخالت مستقیم نظامی دارد. مردم کشور بحرین که از بی‌عدالتی و استبداد آل خلیفه به ستوه آمده بودند، روز دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ ش/۴ فوریه ۲۰۱۱ م را روز خشم، نامیدند و برای اعتراض به حکومت خودخوانده این کشور به خیابان‌ها آمدند. معترضان خواستار استعفای خلیفه بن سلمان آل خلیفه، نخست‌وزیر و همچنین خواستار قانون اساسی جدید و حقوق برابر میان شیعیان و سنی‌ها شدند. شیعیان بیش از هفتاد درصد جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند، اما حکومت بحرین به شدت با آنها رفتار تبعیض‌آمیز دارد. وقتی که تمام مردم بحرین اعم از شیعه و سنی به میدان لؤلؤ آمدند و حقوق اولیه و انسانی خویش را مطالبه کردند، عربستان حاکمیت وهابیت را در بحرین در خطر دید و برای جلوگیری از قدرت گرفتن اکثریت شیعه در بحرین وارد عمل شد. از طرفی امریکا نیز منافع خود را در خطر دید و برای تثبیت پایگاه نظامی‌اش در بحرین، به عربستان سعودی متوسل شد و همین امر انقلاب مسالمت‌آمیز مردم بحرین را وارد مرحله دشوار و پیچیده‌ای کرد. از آنجا که ورود نیروهای کشوری به کشور دیگر قبل از هر چیز نیازمند توجیهی است تا مجامع حقوقی و مردم مسلمان منطقه را اقناع کند تا با این حرکت به مقابله برنخیزند، بار دیگر رژیم آل سعود به مفتی‌های سلفی متوسل شد و سلفیه تقلیدی نیز به ایفای نقش خود یعنی مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های ظالمانه آل سعود پرداخت. رسانه‌های سلفی شروع به تبلیغ کردند و انقلاب مردم بحرین را خروج بر حاکم مسلمان خواندند و مسلمانان بحرین را به این دلیل، مهدورالدم دانستند. سلفیون سعی کرده‌اند برای جلوگیری از حمایت ملت‌های مسلمان از مردم مظلوم بحرین، انقلاب آنها را انقلابی شیعی و ضد اهل سنت نشان دهند و برای این منظور، یوسف قرضاوی، از علمای برجسته مصر، بیشترین کمک را به رسانه‌های سلفیه کرد. او طی سخنانی ادعا کرد که انقلاب مردم بحرین انقلابی مذهبی و گروهی است و قیام شیعه بر ضد اهل سنت است،

۱. رضا موسی‌زاده و رضارنجبر، همان، ص ۱۶۵.

نه یک انقلاب مردمی. از سوی دیگر نظامیان وهابی سعودی و اماراتی نیز از این فرصت استفاده کردند و در تاریخ دوشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ وارد کشور بحرین شده و به کشتار مردم مظلوم بحرین پرداختند. با نگاهی به جنایت‌هایی که نیروهای عربستان سعودی و امارات در کشور بحرین مرتکب شده‌اند، به خوبی می‌توان دریافت که منشأ این جنایت‌ها همان تفکرات سلفیه تقلیدی است که به وهابیت معروف‌اند.

## علت حساسیت بیشتر عربستان در قبال بیداری اسلامی بحرین

کشور بحرین به رغم مساحت کوچک، به دلیل موقعیت مجمع‌الجزایری و سوق‌الجیشی خود، پایگاه پنجم نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا را نیز در خود جای داده است. لذا این کشور در محاسبات نظامی و راهبردی کاخ سفید نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. از طرف دیگر، ترکیب جمعیتی آن که اکثریت را اهل تشیع تشکیل می‌دهند، همواره حساسیت‌هایی را برای کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی در بر داشته است؛ چرا که اکثر ساکنان منطقه الشرقیه عربستان سعودی، شیعه هستند.<sup>۱</sup>

## عملکرد عربستان در بحرین

### ۱. دخالت مستقیم و سرکوب

خاندان سلطنتی حاکم بر بحرین و متحد نزدیک به سعودی، برای مقابله با اعتراض‌هایی که روز به روز گسترده‌تر می‌شد، درخواست کمک کرده بود. سعودی‌ها نیز برای سلطان نشین بحرین تانک و سرباز فرستادند. این مداخله نظامی عربستان در بحرین، با وجود قرار گرفتن در چهارچوب پیمان امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تصویر عربستان را در میان افکار عمومی منطقه مخدوش کرد.<sup>۲</sup>

### ۲. تلاش برای ادغام بحرین با خاک عربستان

فاز دوم اقدامات عربستان در بحرین تلاش این بازیگر برای الحاق بحرین به خاک خود است. اقدامی که نشان می‌دهد عربستان به اقدامات سرکوبگرانه در همسایگی‌اش بسنده نمی‌کند. نشانه‌های ابتدایی این تصمیم مقامات سعودی را می‌توان از خرداد سال ۱۳۹۰ مشاهده کرد. در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۹۰ رسانه‌ها از دستور پادشاه عربستان

۱. مسعود رضائی و شهاب جهانیان، «انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن»، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ش ۳۶، ص ۱۸۸.

۲. کامران کریمی، همان، ص ۹۰.





به پادشاه بحرین برای تغییر نام و پرچم این کشور خبر دادند که تا الان با استقامت‌های مردمی و گروه‌ها و احزاب چنین اتفاقی حاصل نشده است.<sup>۱</sup>

### ۳. ساخت پل ارتباطی

پلی به نام پل ملک فهد بین بحرین و عربستان که بر روی دریای خلیج فارس بنا نهاده شد، به طول ۲۶ کیلومتر و عرض چهل متر، که بحرین را به عربستان متصل می‌سازد. سنگ بنای اولیه این پل در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۲ بنا نهاده شد و در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۶ پس از چهار سال افتتاح گردید. یک کمپانی هلندی این پروژه یک میلیارد دلاری را احداث کرد. به عقیده برخی محققان، تأمین امنیت حکومت بحرین اولین فایده احداث این پل است و تجاوز نیروهای نظامی سعودیه به خاک بحرین در تاریخ (۲۳ اسفند ۸۹) برای سرکوب اعتراضات مردمی ۱۴ فوریه، نمونه بارز آن به حساب می‌آید.

### ۴. تغییر بافت جمعیت

در دهه اخیر یکی از مسائل مهم سیاسی که شکایت مردم از حکومت را به دنبال داشته است، وارد کردن شهروند از کشورهای دیگر به بحرین بوده که با مقاصد سیاسی صورت گرفته است. اکثریت بافت جمعیتی بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و بر همین اساس، طبیعتاً حضور نماینده‌های شیعه نیز در مجلس بیشتر خواهد بود. همین امر حکومت آل خلیفه را بر آن داشت تا از سال ۲۰۰۰ با اعطای تابعیت به شهروندان خارجی سنی و ترجیحاً وهابی علاوه بر تغییر بافت جمعیت کشور در جهت تقویت حاکمیت آل خلیفه، جبهه‌ای مردمی را نیز در مقابل شیعیان بحرین ایجاد کند. به همین منظور، در تاریخ ۲۰۰۲/۵/۶ حزب «جمعیه الاصله الاسلامیه» در بحرین تأسیس شد و اعلام موجودیت کرد. این حزب از وهابی‌های افراطی تشکیل شده است و تاکنون نیز در مجلس بحرین و شوراهای کرسی‌هایی را کسب کرده است. البته اعطای تابعیت بحرینی به وهابی‌ها از سال ۲۰۰۱ سرعت بیشتری گرفت؛ به طوری که در اسفندماه ۱۳۸۷ بیش از بیست هزار نفر از مردم بحرین در اعتراض به این رفتار حکومت، در غرب منامه دست به تظاهرات زدند و با صدور بیانیه‌ای اقدامات غیر قانونی دولت در اعطای تابعیت را با هدف تغییر بافت جمعیتی، گسستگی اجتماعی، ایجاد تفرقه و اختلاف قبیله‌ای و تخریب آینده فرزندان ملت دانستند و خواستار توقف این اقدامات و برخورد با عاملان و متولیان این امر شدند.

۱. سید مهدی مدنی و حسین هواسی، «رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۳۹۳، ش ۳۹، ص ۷۳.



سلفیون سعی کرده‌اند برای جلوگیری از حمایت ملت‌های مسلمان از مردم مظلوم بحرین، انقلاب آنها را انقلابی شیعی و ضد اهل سنت نشان دهند و برای این منظور، یوسف قرضاوی، از علمای برجسته مصر، بیشترین کمک را به رسانه‌های سلفیه کرد. او طی سخنانی ادعا کرد که انقلاب مردم بحرین انقلابی مذهبی و گروهی است و قیام شیعه بر ضد اهل سنت است، نه یک انقلاب مردمی

## ۵. ایجاد تفرقه میان شیعیان و اهل سنت

اختلاف‌افکنی از طرق مختلف بین مردم بحرین یکی از روش‌های معمول رژیم آل خلیفه برای ثابت نگه‌داشتن پایه‌های حکومتش محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر آل خلیفه به دامان وهابیت که ابزار اصلی ایجاد تفرقه و فتنه بین امت اسلامی است، چنگ زده و در همین جهت قدرت وهابیت را در بحرین افزایش داده است تا سلفیه درباری، شکاف و جدایی بین مسلمانان بحرین را برای این رژیم خودخوانده تضمین کند. و قضیه لشکرکشی عربستان به بحرین در شرایطی اتفاق افتاد که گروه‌های مختلف شیعه و سنی در خیابان‌های منامه شعار (نه شیعه نه سنی فقط بحرین) و (سلمیه،

سلمیه) سر داده بودند، نیروهای عربستان سعودی و امارات در صبح‌گاه ۱۴ مارس با پرچم شورای همکاری خلیج فارس در قالب (نیروهای سپر شبه جزیره) به بحرین لشکرکشی کردند.<sup>۱</sup>

## ۶. ایجاد پایگاه نظامی

در جریان انقلاب مردم بحرین، رژیم آل خلیفه به دو هزار سعودی در رده‌های نظامی و امنیتی با هدف سرکوب مردم بحرین تابعیت بحرینی داد. دادن تابعیت عملاً به معنای احداث پایگاه نظامی عربستان در خاک بحرین است.<sup>۲</sup> عربستان در بحرین با دخالت نظامی، دوره به نتیجه رسیدن انقلاب مردم را طولانی کرد و این در حالی بود که در بین کشورهای عربی، بحرینی‌ها بیشترین میزان زمان حضور در صحنه را به ثبت رسانده‌اند. مردم در بحرین بیش از هر نقطه دیگری در جهان عرب روی مسالمت‌آمیز بودن حرکت اعتراضی خود تأکید کرده و از توسل به خشونت به طور جدی پرهیز کرده‌اند؛ در حالی که فشار ظالمانه‌ای که رژیم بحرین به مردم این کشور وارد می‌کند از هر جای دیگر بیشتر است. حضور گسترده و حداکثری مردم در خیابان‌ها جایی برای بقای آل خلیفه باقی نمی‌گذارد اما حمایت همه‌جانبه و پر شدت عربستان و مخصوصاً اعزام نیرو و

۱. شهروز ابراهیمی و دیگران، همان، ص ۱۲۹.

۲. احمد ربیعی فر، «سلفیه و امواج بیداری اسلامی»، ۱۳۹۲، رک:





قدرت‌های استکباری که تعالیم زندگی‌ساز و حرکت‌آفرین اسلام را با منافع خویش در تضاد می‌بینند و اتحاد روزافزون و تکوین قدرت سیاسی مسلمانان جهان را سد و مانعی بزرگ در راه تحقق سیاست‌های ضد انسانی خود تلقی می‌کنند، با تمام توان همه راه‌ها و روش‌های شیطانی را برای مقابله با اسلام و اتحاد و وحدت مسلمانان به کار می‌گیرند

تجهیزات نظامی برای سرکوب مردم بحرین، رژیم آل خلیفه را به طور مصنوعی سرپا نگه داشته است.<sup>۱</sup> به صورت کلی در رابطه با نقش عربستان در تحولات بحرین باید این گونه مطرح کرد که در سطح داخلی هر گونه ناآرامی برای عربستان خصوصاً در استان شرقی که منطقه‌ای نفت‌خیز است ناخوشایند است. هر گونه ناآرامی در بحرین می‌تواند در شیعیان کشور همسایه یعنی عربستان اثر گذاشته و آتش ناآرامی را در این منطقه و سپس سراسر عربستان شعله‌ور کند. به ویژه آنکه جامعه

داخلی عربستان از انقلاب‌های اخیر منطقه بی‌تأثیر نبود و عربستان به وسیله عوامل زودگذری چون پمپاژ پول نفت به اقتصاد و جیب مردم و استفاده از روابط قبیله‌ای و نیز توسل به مشروعیت مذهبی برای حکومت خود، توانسته برای مدتی این ناآرامی‌ها را سرکوب کند. لذا اوج‌گیری و پیروزی مردم بحرین برای به دست آوردن خواسته‌های مدنی‌شان می‌تواند عربستان را بار دیگر مشتعل کند. در گذشته نیز عربستان این تجربه را داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان استان شرقی دست به تظاهرات خیابانی می‌زنند که به شدت از سوی دولت مرکزی سرکوب می‌شوند. در نتیجه عربستان نمی‌خواهد شاهد تکرار تاریخ باشد.<sup>۲</sup>

مهمترین دلایل اهمیت بحرین برای عربستان که زمینه‌های دخالت عربستان را در آن کشور فراهم کرده، از این قرار است:

۱. بحرین از مهمترین کشورهای هم‌جوار عربستان است که به شکل پادشاهی اداره می‌شود که در صورت تحول در آن، عواقب بدی برای عربستان در پی خواهد داشت.  
۲. پیمان امنیتی با بحرین که به حمایت عربستان از حاکمیت فعلی این کشور منجر شده است.

۳. اقلیت شیعه عربستان که ساکن مناطق نفت‌خیز این کشور هستند، در هم‌جواری بحرین که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، به سر می‌برند. این مسئله نگرانی عربستان از امکان سرایت جنبش‌های تحول‌خواهانه به آن کشور را افزایش

۱. سعدالله زارعی، همان.

۲. فاطمه فهیمی، «عربستان و سرکوب انقلاب بحرین»، ۱۳۹۰، رک:

می‌دهد.<sup>۱</sup>

در انتهای این بحث به این شکل می‌توان مطرح کرد که، عربستان بعد از انقلاب‌های عربی کوشید تا نظم نوین را ایجاد شده در پس این انقلاب‌ها را با توجه به منافع و علایق خود بازسازی کند. در واقع، مشاهده می‌شود که عربستان می‌کوشد تا برخلاف گذشته که همواره تلاش می‌کند تا نظم موجود حفظ شود، این بار در صدد است که نظم دوران گذار را بر اساس اهداف خویش تبیین کند. نظمی که در یک سوی آن تأمین اهداف این کشور و در سوی دیگر آن حفظ عناصر شکل‌دهنده به نظم سابق است.<sup>۲</sup>

با توجه به مطالبی که به دست آمد، نتیجه‌ای که از بحث دخالت مستقیم عربستان سعودی در قبال بحرین می‌توان گرفت این که عربستان با شکل‌گیری بیداری اسلامی در منطقه عرصه را برای خود تنگ‌تر دید و کشور بحرین که چسبیده به اوست در حال مردمی شدن است و این یعنی قدمی نزدیک‌تر شدن عربستان برای شکل‌گیری حکومتی مردمی. به همین دلیل عربستان در پی چاره افتاد و با درخواست آل‌خلیفه از عربستان برای ایجاد آرامش در کشورش، این بهانه فراهم شد تا به صورت مستقیم در آن دخالت کند تا حکومتی بر مبنای مردم‌سالاری در آن شکل نگیرد.

## نتیجه‌گیری

سلفی‌گری به عنوان جریانی ریشه‌دار و مهم در جهان عرب محسوب می‌شود که سعی کرده است با پی‌ریزی قالب فکری منسجم و اتخاذ رویکردهای سیاسی خاص، در سطح جهان اسلام نفوذ و انتشار یابد. این جریان توانست در عربستان سعودی نظام سیاسی مبتنی بر تفکر سلفی‌گری را بنیان نهد و در سایر کشورهای منطقه نیز گسترش پیدا کند. هر چند سلفی‌ها خود به گروه‌های مختلف با برخی تفاوت‌ها تبدیل شده‌اند و به خصوص سعودی‌ها سعی کرده‌اند تا خود را از سلفی‌های تکفیری و جهادی جدا کنند اما در تحولات جدید جهان عرب، به عنوان یک جریان مهم و تا حد نسبتاً زیادی منسجم نقش آفرینی می‌کنند. بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و قطر، سعی دارند تا از جریانات بیداری اسلامی به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف و منافع خود در جهان عرب استفاده کنند.

از صدر اسلام تاکنون، دشمنان اسلام با درک اهمیت و منزلت امت اسلامی کوشیده‌اند

۱. کامران کرمی، همان، ص ۹۱.

۲. سید مهدی مدنی و حسین هواسی، همان، ص ۶۵.





یکی از حربه‌ها و روش‌های مقابله با اسلام و رخنه در صفوف مسلمانان تحریف حقایق دین و واژگونه کردن اهداف و مقاصد نهایی تعالیم مقدس اسلام می‌باشد. این حربه و ترفند در قالب ساختن و پروردن فرقه‌های جدید برای قشرهایی از مسلمانان در مناطق و محدوده‌های مناسب و سپس ترویج و گسترش آن در جهان اسلام چهره می‌نماید!

با هر ترفند و بهانه‌ای گروه‌ها و جوامع اسلامی را با یکدیگر درگیر سازند تا سرمایه‌های اقتصادی و انسانی یکدیگر را نابود کرده و از رشد و توسعه در زمینه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و... باز بمانند. آنان در این مسیر از حربه فرقه‌های انحرافی مانند وهابیت استفاده می‌کنند. قدرت‌های استکباری که تعالیم زندگی‌ساز و حرکت‌آفرین اسلام را با منافع خویش در تضاد می‌بینند و اتحاد روزافزون و تکوین قدرت سیاسی مسلمانان جهان را سد و مانعی بزرگ در راه تحقق سیاست‌های ضد انسانی خود تلقی می‌کنند، با تمام توان همه راه‌ها و روش‌های شیطانی

را برای مقابله با اسلام و اتحاد و وحدت مسلمانان به کار می‌گیرند. یکی از حربه‌ها و روش‌های مقابله با اسلام و رخنه در صفوف مسلمانان تحریف حقایق دین و واژگونه کردن اهداف و مقاصد نهایی تعالیم مقدس اسلام می‌باشد. این حربه و ترفند در قالب ساختن و پروردن فرقه‌های جدید برای قشرهایی از مسلمانان در مناطق و محدوده‌های مناسب و سپس ترویج و گسترش آن در جهان اسلام چهره می‌نماید! (وهابیت) یکی از این فرقه‌های ساختگی است که با مهارت تمام توسط استعمار انگلیس بنیان نهاده شد. متأسفانه برخی از فرقه‌ها به جای تعامل و گفت‌وگو و بهره‌گیری از منطق و استدلال، از شیوه‌ای غیر منطقی و با خشونت استفاده می‌کنند. این روش‌ها برای آینده اسلام و مسلمانان خطر آفرین می‌باشد؛ از این رو باید مسلمانان افزون بر شناخت یکدیگر، به دسیسه‌های دشمنان که در پشت پرده پنهان شده و به اختلاف‌افکنی مشغول‌اند، آگاه باشند. در این جهت کتاب و نشریه و ماهواره و سایت‌های سازنده می‌تواند راهگشا باشد. از جمله موضوعاتی که در منطقه خلیج فارس و امثالهم شکل گرفته و مایه شادی دوستان و نگرانی دشمنان شده است، شکل‌گیری بیداری اسلامی است که مبنای این شکل‌گیری آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. دوستان از این جهت که عمر حکومت دیکتاتورها و زورگویان به سر آمده و زمینه‌ای پیدا شده است برای شکل‌گیری حکومتی مردم‌سالار که مردم در آن تصمیم‌گیرنده هستند، شادند و دشمنان، چون منافع آنها به مخاطره افتاده است ناراحت هستند؛ البته دشمنان خود به دو گروه هستند: یکی غرب که به دنبال روزنه‌ای در خاورمیانه است تا بتواند استثمار کند و با شکل‌گیری چنین

حکومت‌هایی و سقوط دولت‌های طرفدار آنها، این روزنه‌ها بسته شده و عرصه برای نفوذ آنها کمتر می‌شود؛ ولی دشمن دوم، همان دولت‌های منطقه‌ای به خصوص عربستان است که با شکل‌گیری چنین حکومت‌هایی مخالفت می‌کند و تمام قدرت خود را به کار می‌گیرد تا از شکل‌گیری چنین حکومت‌هایی در منطقه جلوگیری کند، چون شکل‌گیری چنین حکومت‌هایی، عرصه را برای آن تنگ‌تر کرده و حتی زمینه را برای شکل‌گیری چنین حکومتی در خود آن فراهم می‌کند.

جبهه‌گیری دیگر در برابر سوریه است که دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بر عکس بحرین، در صدد سرنگونی رژیم آن هستند و می‌خواهند در کشور سوریه رژیم بر سر کار بیاید که مخالف جمهوری اسلامی ایران و هم‌سو با منافع غرب و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشد و به همین دلیل به هر راهی و به هر ابزاری متوسل می‌شوند تا این خواسته حاصل گردد.

